

حرف درشت

آشیر آب هم‌وا؟

● **بوریا عالمی**: بعضی دلاوران یه‌طوری حرف می‌زنند که اگه حرف نزنند هم طوری نمیشه، اما یه‌طوری حرف می‌زنند که انکار اگه حرف نزنند طوره، اسم اون‌طوری‌شون رو هم می‌ذارن تحلیل. **موس‌بازی**: بعضی دلاوران هم در این مواقع موششان حرکت می‌کند و از حالت اسکرین‌سیور خارج می‌شوند. اصولا هم طوری وارد می‌شوند که با یک توییت یا اظهارنظر، قضیه را کلا جمع‌بندی کنند تا بقیه ماست‌ها را کیسه کنند. آفرین.

گل‌بازی: بعضی دلاوران عادت دارند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند. این اساتید طبیعی است که برای گل‌آلودشدن آب تلاش بیشتری می‌کنند.

کره‌خوری: بعضی دلاوران بلدند از آب کره بگیرند و نیازی ندارند آب گل‌آلود بشود تا ماهی بگیرند. این دلاوران اصولا در بزنگاه‌های تاریخی می‌روند روی اسکرین‌سیور و از نظر دور می‌شوند و آب‌ها که از آسیاب افتاد، پکی‌پکی پیدا می‌شوند و اون‌وقت کره‌خوری.

آب‌بازی: بعضی دلاوران می‌گویند آب را نباید به آسیاب دیگران ریخت. بعضی دلاوران می‌گویند آب را باید ریخت همان جایی که می‌سوزد. بعضی دلاوران می‌گویند آب که سربالا برود، برگزاری کسرت آزاد می‌شود. بعضی دلاوران می‌گویند آب که از سر گذشت، پول فیض آب هرچی می‌خواد بید. بعضی دلاوران اما نظرشان قطعی است و می‌گویند: آ شیر آب هم وا؟

آکادمی

ژن‌های پرت‌در راه‌اند

● **ایسنا**: یکی از دانشمندان سابق ناسا مدعی است که می‌تواند با استفاده از تزریق DNA به انسان‌ها در اصلاح ژن و خلق نژاد جدیدی از ابرانسان کمک کند و حتی این روش را روی خود تست کرده است. او می‌خواهد به انسان‌ها کمک کند خود را از نظر ژنتیکی اصلاح کنند تا نژاد جدیدی از ابرانسان خلق شود. دکتر جوسیا زینر Josiah Zayner ۳۶ساله، ماه گذشته وقتی به‌عنوان اولین شخصی که DNA خود را اصلاح کرده شناخته شد، به تیر نخست تمام رسانه‌ها تبدیل شد. این زیست‌شیمی‌دان تلاش کرد با حذف یک پروتئین که مانع رشد عضله در بازوی چپش می‌شد و از راه تزریق ژن DIY، به خود قدرتی فوق‌العاده بدهد.

شترق روزنامه

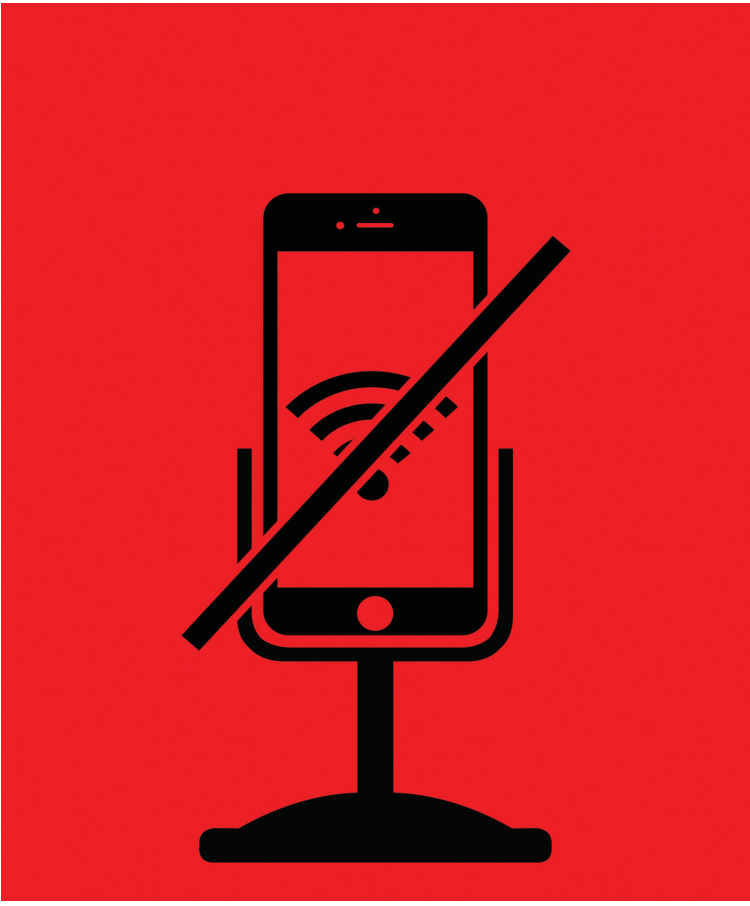
سه‌شنبه ● ۱۲ دی ۱۳۹۶ ● ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۴۳۹ ● ۲۰ژانویه ۲۰۱۸ ● سال یازدهم ● شماره ۳۰۵۰ ● ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۰۸ ● اذان مغرب ۱۷:۲۳ ● اذان صبح‌فردا ۵:۴۵ ● طلوع آفتاب ۷:۱۴

روزنامه‌فرو

کارتون خواب



علی رومانی
aliromani84@gmail.com



با تعرفه‌های جدید آسیاتک بی نهایت داندلسودکن ...

رهایی از محدودیت ترافیک



۱۵۴۴

asiatech.ir

آسیاتک
اینترنت یک، آسیاتک

دارای مجوز FCP به شماره ۱۶-۹۴-۱۰۵ از سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی

سلام به فردا

برای «آشغال‌های دوست‌داشتنی» که باز هم از جشنواره بازماند



حمیدرضا صدر

از آن بعدازظهری که فیلم «آشغال‌های دوست‌داشتنی»، ساخته محسن امیریوسفی را روی میز تدوین تماشا کردم، پنج سال سپری شده. «پنج سال» چه راحت در دهان می‌چرخد، ولی هفته‌ها، ماه‌ها و سال‌ها سپری شده‌اند و امیریوسفی انتظار کشیده و اثرش هنوز راهی به پرده‌ها پیدا نکرده و «انتظار شش‌ساله» همین نزدیکی هاست. آن روز «آشغال‌های دوست‌داشتنی» را اثری نمایشگر یکی از آن خانواده‌های نمونه ایرانی یافتم: مادر و پدر سنتی با فرزندانی روزآمدشده در توفان

زیر آسمان شهر

«دهقان فداکار»

وقصورها و تقصیرهای ما

امید شاهد ـ مدرس دانشگاه

پیرمرد چشم ما بود. بالاخره در ۸۶ سالگی پس از تحمل دردها و رنج‌های ناشی از بیماری و بی‌مهری‌های سخت‌تر از آن، با کوهی از خاطرات، از قطار زندگی پیاده شد. نگاهی گذرا به داستان زندگی قهرمان نوستالژیک نیم‌قرن فرزندان این سرزمین، غیر از حس تحسین و تکریم جاودانه، نکات تلخی را نیز به ذهن متبادر می‌کند که صرفا به چند مورد برجسته آنها اشاره می‌شود: ۱- مهم‌ترین قصور در قبال این بزرگمرد به درج نام درست ایشان در کتب درسی برمی‌گردد. بی‌مبالاتی و سوءتفاهم مأمور- خبرنگار دهه ۲۰، باعث می‌شود نام واقعی ایشان («آزبرعلی حاجوی») به‌غلط در گزارش و بعد هم در کتاب درسی «ریزعلی حاجوی» ثبت شود و قهرمان قصه، سال‌های‌سال با نامی جعلی و غیرواقعی بر سر زبان‌ها بیفتد. ادامان باشد کی ثبت‌وضبط غلط و مهم‌ل می‌تواند دهه‌های متمادی در حافظه جمعی یک ملت بنشیند. (#دقیق_باشیم)

۲- حقیقت داستان برابر آنچه خود قهرمان فقید بارهاوبارها در محافل، مراسم‌ها و بزرگداشت‌های موردی تعریف کرده، با آنچه در کتاب درسی نقل شده تفاوت دارد. برخلاف تصور و روایت مندرج، رائنده قطار اعتنایی به کت (و نه پیراهن) آتش‌گرفته نکرده و «ازبرعلی» مجبور می‌شود دست به تفنگ شکاری‌اش ببرد و با چنبدار شلیک، قطار را متوقف کند. بعد هم مردم هراسان و متعجب بیرون می‌ریزند و بی‌خبر از حادثه، فداکار را کتک می‌زنند! ... و تا حقیقت ماجرا برملا نشود، مدتی طول می‌کشد. (#درست_نقل_کنیم)

۳- به دلایل مختلف که واکاوی چرایی آنها منتهی مقتادمن کاغذ می‌طلبد، از این قهرمان ملی، آن‌سان که بایدوشاید، در حیات ساده‌زیستانه‌اش تجلیل نکردیم. کوتاهی‌ها باعث شد دهقان فداکار بخشی از روزگارش را در فقر و فاقه و رنج و مصیبت سپری کند. گفته می‌شود پس از نصب تندیس «ازبرعلی» در یکی از میادین شهر زادگاهش - میانه - برسیده و شنیده بود هفت میلیون تومان هزینه مجسمه شده، گویا گفته بود هفت میلیون را به خودم می‌دادند، شب و روز و زمستان و بهار به‌جایش می‌ایستادم!

۴- با بی‌ملاحظگی و نظرتنگی در سال‌های اخیر، نام این قهرمان ملی و تندیس فداکاری از کتاب‌های درسی حذف شده! به قول طریفی، شاید «چوپان دروغگو» قصه‌های امروز ما آن‌قدر زیاد شده که دیگر کسی امثال «دهقان فداکار» را باور ندارد!

۵- از زمان رخ‌دادن آن اتفاق قهرمان‌ساز (آبان‌ماه سال ۱۳۲۰) بیش از نیم‌قرن می‌گذرد. در این چند دهه مطرح‌شدن دهقان فداکار، واقعا چه تعداد از مسئولان و فرهنگیان گرفته تا دانش‌آموزان سابق و اصحاب نوستالژی به دیدار قهرمان قصه رفتند؟! (#قدردان_باشیم)

۶- در سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از استیلای فضای مجازی بارهاوبارها شایعه مرگ او مطرح و سپس تکذیب شد و بارها پیش از مرگ طبیعی و واقعی، وی را کشتند. دل‌آزدگی آن مرحوم را در صفحات نشریات گذشته می‌توان خواند. (#راست‌گو باشیم)

۷- همین که خبر درگذشت ایشان در فضای مجازی پیچید، سیل پیام‌های درخ و افسوس همراه با تصاویر نوستالژیک کودکی و مطالب بسیار مربوط به دهقان فداکار در رسانه‌های مجازی دست‌به‌دست شد. به قول شاعر: «چه توان کرد که ما مرده‌پرستیم هنوز!» ای‌کاش عزیزان و بزرگانمان را - مادامی که در قید حیاتند - دریابیم. پس از اینکه از دستشان دادیم، حسرت و افسوس دردی دوا نخواهد کرد. به قول مولانا کبیر:
چو بر گورم بخوای بوسه دادن / رخم را بوسه کن! اکنون همانیم!

رخدادهای خواسته و ناخواسته، تلاش صادقانه‌ای که لزوم کنارهم‌بودن شخصیت‌هایی را که خواسته و ناخواسته درگیر حرکات اجتماعی شده‌اند به رخ می‌کشید. درون‌مایه فیلم، تماشاگر را به همدلی دعوت می‌کرد؛ به آشتی در زمانی که «قهرکردن» راه‌ورسم زمانه شده بود؛ تصویر عمیقاً صمیمانه از خانواده‌ای محاصره‌شده در توفان رخدادهای بیرون دیوارهای خانه. اثری درباره کنگاش، تأثر، رقت و محبت انسانی حاوی طنز و هزل از نوع امیریوسفی. نگاه ظریف او ترکیبی از رئالیسم، ملودرام و تاریخ گرفته بود و مطالعه‌ای بسود از آدم‌هایی که هر روز آنها را می‌بینیم. آن آدم‌ها ما بودیم، خودمان.

نمی‌دانم تعابیر و تفاسیر انجام‌شده از «آشغال‌های دوست‌داشتنی» چه بوده‌اند که آن را در گذر پنج‌ساله‌ای دور از قضاوت مردم نگاه داشته،

گفت‌وگو

عبدالله ناصری:

گام نخست تفاهم است

ساسان کلفر: درباره اتفاقات این روزهای شهرهای مختلف ایران به سراغ عبدالله ناصری، رئیس بنیاد باران رفته‌ایم.

✎ از نظر شما انگیزه اولیه این‌نظاها‌رت و تجمع‌ها، چه می‌تواند باشد؟

وقتی دولت‌ها، برنامه‌های خود را فارغ از لایه‌های عمومی جامعه پیش ببرند و در نگاه و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کم‌توجه به بی‌توجه به لایه‌های جامعه مدنی باشند، شکل‌گیری هر نوع اعتراض در جامعه مدنی یا در هر سطح یا در هر جغرافیا از جامعه را نباید اتفاقی دور از انتظار دانست.

به هر صورت این کشور شرایطی بحرانی دارد و البته باید به حاکمیت و دولت این حق را داد که آن‌قدر بحران‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی آن زیاد است که گاهی از جاهای دیگر غافل می‌ماند. اینکه معتقد به نظم اجتماعی هستم، به این نیز معتقدم که این نوع تقاضاها انباشته شده است و این، اتفاق ساده‌ای نیست، امروز بی‌کاری مطرح است و مشکلات تحصیلات آموزش عالی و ستاره‌داریودن دانشگاه ... همه اینها دست به دست هم می‌دهند تا در شرایط خاصی اتفاق خاصی شکل بگیرد. ما در طول تاریخ و در جامعه خود نیز این روند را داشته‌ایم. البته معتقدم حکومت و دولت باید بسیار هوشمندانه رفتار کند و به‌جای قوه قهریه، باید مبدرانره در برابر این مطالبات مردم، کاملاً برنامه‌ریزی کند و حکومت باید یکپارچه تصمیم بگیرد و به حل این مسائل برسد.

مردمی که شاهد افزایش قیمت‌هاست، شاهد کاهش ارزش دریافتی ماهانه خود است، شاهد بسته‌شدن کارگاه و کارخانه و شاهد افزایش واردات جنس‌های بنجل ترکیه و چین است، طبیعتاً باید این حق اجتماعی را برای آن قائل شد که بتواند صدای اعتراض خود را بفرساند. ولی اگر همان‌گونه که در روزگارهای دور پیش‌بینی می‌شد، رسانه ملی نقش مطلوب خود را مثل بسیاری از کشورها ایفا می‌کرد، شاید بسیاری از این حرکت‌های اجتماعی و مدنی درون خیابان‌ها و گاهی با شعارها و ماهیت ساختارشکنانه شکل نمی‌گرفت. به‌نظر من این را باید در این قالب

تجربه دیگران

جسارت او در درگیری و مشاجره است/ پل شکسته است، شهر از ترس ضعیف شده. فراموش نکنیم که ترامپ رئیس کل قوا هم هست. **شرق، غرب را ضعیف می‌کند**: دو بار بالا رفته و دو بار پایین انداخته شده/ شرق نیز غرب را تضعیف خواهد کرد/ دشمنش پس از چندین نبرد تعقیب‌شده در دریا / در زمان نیاز شکست خواهد خورد.

این می‌تواند اشاره‌ای به فضای اکنون و رابطه آمریکا و روسیه هم باشد.

ثمره جنگ



دیلی‌میل: رهبر کاتولیک‌های جهان دستور داد کارت‌هایی با تصویر دلخراش یکی از قربانیان بمباران اتمی ناکازاکی با عنوان «ثمره جنگ» چاپ و توزیع کنند. در این تصویر ناراحت‌کننده پسری نشان داده می‌شود که در صف مرده‌سوزی ایستاده و برادر مرده‌اش را روی شانه‌هایش حمل می‌کند. این تصویر از سوی جو او دول، عکاس تفنگداران دریایی آمریکا، پس از بمباران اتمی ناکازاکی در پایان جنگ جهانی دوم ثبت شده است. پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان، خواسته تا این عکس به‌عنوان یادگاری دلخراش از نتیجه جنگ با امضای او منتشر و توزیع شود. روی این کارت نوشته شده است: غم و ناراحتی این پسر جوان تنها از چهره و حالتش که لبان خود را گاز می‌گیرد و خون از لب‌هایش جاری است، مشخص می‌شود. پس از بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی، ژاژین تسلیم شد و جنگ جهانی دوم پایان یافت.

حاکم منتخب ارتش خواهد بود/

۱۱ **سپتامبر**: زبانه‌ای از آتش در مرکز زمین

زبانه می‌کشد، دورتادور شهرهای جدید / دو هدف بزرگ برای مدت‌زمان طولانی خواهند جنگید / سپس رودخانه جدید را قرمز خواهد کرد

ترامپ: بی‌شرم بزرگ، فریادزن پرسیروصدا / او

حاکم منتخب ارتش خواهد بود/